

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دوازدهم، شماره‌ی چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۹۰-۱۵۹  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## رویکرد بازار اصفهان به سیاست‌ها و مصوبات حکومت پهلوی اول (با تکیه بر اسناد)

مریم نجف پور،<sup>۱</sup> فریدون الهیاری<sup>۲</sup>

چکیده

بازارهای ایرانی - اسلامی به‌عنوان نهاد همبستگی شهرها در کنار ایفای وظایف اقتصادی، نقش اجتماعی بسزایی در جامعه‌ی شهری ایفا می‌کردند. رابطه‌ی میان تجار و صاحبان حرف به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده بازار با دستگاه حاکمه رابطه‌ای دوسویه و دیرینه بوده است. سنگ زیر بنای این رابطه برگرفته از نیاز بازار به تأمین امنیت از سوی حکومت و نیاز حکومت به تأمین منابع مالی خویش از بستر درآمدهای بازار بوده است. شناخت این رابطه که بنابر مقتضیات سیاسی و اقتصادی روندی متغیر را طی نموده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در آغاز شکل‌گیری حکومت پهلوی، تجار که فعالیت آنان در اثر سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی عصر قاجار دچار اختلال شده بود، در صدد برقراری رابطه‌ای نوین با حکومت تازه تأسیس برآمدند. در مقابل، سیاست‌گذاری‌های حکومت در جهت بوروکراتیک کردن ساختارش موجب شد رابطه‌ی بازار و حکومت در مسیری تازه قرار گرفته و دستخوش تغییراتی گردد. طرح‌هایی چون تدوین قوانین اقتصادی، توجه به صنایع ملی و تأمین حداقل خواسته‌ی تجار و فعالان اقتصادی، توسط حاکمیت منظر و دریچه‌ی جدیدی را در روابط بازار و حکومت پدید آورد که بر موضع‌گیری این طیف نسبت به حکومت تأثیر فراوان گذاشت. پژوهش حاضر

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)،

(najafpour\_m10@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (f.allahyari@it4.ui.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

می‌کوشد با تکیه بر اسناد و سایر منابع موجود به ریشه‌یابی موضع و سیاست‌های بازار اصفهان در برابر طرح‌های حکومت پهلوی اول و چگونگی رابطه‌ی آنان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: بازار، حکومت، پهلوی اول، اصفهان

#### ۱. مقدمه

در تعریف بازار و بازاریان نظریات متعددی ارائه شده است. این مفهوم گاه می‌تواند در معنای عناصر شاخص فعال در آن، تجار- اعم از تجار بزرگ، متوسط و کوچک و بنکدار (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ۴۵) - و اصناف - گروه‌های شغلی و پیشه‌وری - (سعید الشیخی، ۱۳۶۲، ۵۲) باشد و یا «در شرح یک مکان، یک اقتصاد، یک روش زندگی، یک طبقه و نمادی از حیات اسلامی» به کار رود (کشاورزیان، ۱۳۸۳، ۱۴۱). بازار در مفهوم تجار و اصناف، همواره جایگاه ویژه و حائز اهمیتی را در تحولات اقتصادی و سیاسی، خاصه در دوران معاصر ایران، به خود اختصاص داده است. طیف‌های مختلف تجار و اصناف هر یک بسته به نقش‌آفرینی خود در عرصه‌ی اقتصاد و اجتماع در ارتباطی دیرینه با دستگاه حاکمیت به حیات خود تداوم می‌بخشیده است.

در واقع، در جامعه‌ی شهری ایران، بازار به‌عنوان ستون و شالوده‌ی اقتصادی و اجتماعی در کنار حاکمیت سیاسی و نهاد مذهبی، اساس و ساختار اجتماعی جامعه را تشکیل می‌داده است. در این بین علی‌رغم رابطه‌ی مستحکمی که میان بازاریان و نهاد روحانیت وجود داشته، رابطه‌ی بازاریان و حکومت همواره رابطه‌ای محتاطانه و تردیدآمیز بوده است.

این نهاد با آغاز حکومت پهلوی تحت تأثیر تغییرات شبکه‌ی شهری و تحولات این دوران قرار گرفت. بررسی تأثیر اصلاحات رضاشاه بر بازاریان، بالاخص تجار و اصناف مرتبط با آنها و عکس‌العمل آنها مبتنی بر تمایل یا مخالفت با این اقدامات، یکی از مسائل قابل توجه در تاریخ معاصر ایران است. در این پژوهش با تمرکز بر بازار اصفهان زمینه‌های رابطه‌ی بازاریان و حکومت و کیفیت عملکرد آنها نسبت به یکدیگر مورد

بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

با نگاهی به عملکرد حکومت و بازاریان - تجار و اصناف - در قبال یکدیگر چنین به نظر می‌آید که این ارتباط در سه حوزه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی قابل دسته‌بندی باشد.

## ۲. رابطه‌ی سیاسی بازار اصفهان و حکومت پهلوی

علل و زمینه‌های فعالیت سیاسی تجار و اصناف را در دوران قاجار می‌توان ناشی از کاستی‌ها و ضعف‌های اقتصادی این دولت دانست. در واقع، سیاست‌گذاری‌های غلط حکومت قاجار در زمینه‌های اقتصادی، بر فعالیت این طیف تأثیرات زیانباری را بر جای می‌گذاشت به نحوی که اقبال فوق را به سمت مخالفت با حکومت قاجار و همکاری با جریان‌های سیاسی مخالف با حکومت کشاند. تاحدی که به حمایت اولیه‌ی این طیف از حکومت تازه تأسیس پهلوی منجر شد. با روی کار آمدن حکومت پهلوی اول، بسترهای حضور بازار در عرصه‌ی جامعه و روابط دیرین حکومت و بازار در حوزه‌های مختلف همچنان تداوم داشت که در ذیل نمونه‌های شاخص آن تا حدودی بازنمایی می‌شود.

### ۲-۱. امنیت و تأثیر آن بر روابط بازار و حکومت پهلوی اول

نیاز همیشگی بازار به تأمین امنیت از سوی حکومت و ثبات شغلی حاصل از آن همواره مهم‌ترین عامل پیونددهنده‌ی بازار با حاکمیت به شمار می‌رفت.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تجار در عصر قاجار عدم امنیت و ثبات لازم برای فعالیت‌های اقتصادی بود که در موارد متعددی در جراید انعکاس می‌یافت: «وقتی امنیت نباشد مشروطیت چه فایده دارد؟ ... به واسطه‌ی ناامنی طرق اصلاً امتعه به بازار نمی‌رسد. حضور مبارک انجمن ولایتی اصفهان پرواضح است که ناامنی، اعم از شهر یا طرق و شوارع چه خسارت‌ها بر عموم، خصوصاً تجار و کسبه، وارد می‌آورد و چه نتیجه‌ی بدی خواهد داشت. بل واجب است اول اقدام در رفع ناامنی نمایند. امروز به این ترتیبی که دارد ناامنی زیاد می‌شود ما تجار مجبور هستیم به کلی دست از کسب و تجارت کشیده تعطیل

عمومی کنیم» (زاینده رود، ۱۳۲۸ق، ۳-۲). درحقیقت همه‌ی تجار ناامنی راه‌ها را باعث کساد بازار و فقر و فلاکت مردم می‌دانستند (انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۸ق، ۴). واضح است که شرایطی از این دست موجب شد که تجار با وقوع کودتای ۱۲۹۹ش و تلاش رضاخان در برقراری امنیت، به سوی وی تمایل یابند. حفظ امنیت، سرکوب شورش‌ها و طغیان‌ها در گوشه‌وکنار کشور و برقراری ثبات سیاسی و تقویت دولت مرکزی توسط رضاخان باعث شد که اقدامات وی از سوی تجار، نویدی برای آینده محسوب شود. این امید موجب حمایت تجار به طرق مختلف از او شد، حمایت‌هایی چون ارسال تشکرنامه‌های متعدد (بهشتی سرشت، ۱۳۹۴، ۲۲) و تلگراف سپاسگزاری (ترابی فارسانی، ۱۳۸۰، ۳۴)، تحصن در منزل وی، رأی در مجلس و حمایت مالی که سرانجام در کنار عوامل دیگر به روی کار آمدن رضاشاه انجامید (شیرین‌کام و فرجام‌نیا، ۱۳۹۰، ۴۰). در این زمینه می‌توان به سخنان دختر میرزا عبدالجواد اخوت از تجار اصفهان اشاره کرد. او درباره‌ی رضایت خاطر پدرش از روی کار آمدن رضاشاه که با سلطنت وی یی‌اگی‌گری، ایللیات‌گری، هرج‌ومرج و دزدی و غارت از ایران رخت بر بسته و امنیت و آرامش به کشور بازگشته بود، سخن گفته است (نفیسی، ۱۳۸۶، ۸۴).

همچنین «فقیه التجار» که در یکی از بازدیدهای روز عید اعضای اتاق تجارت برای عرض تبریک به حضور رضاشاه رسیده بود، به دلیل برقراری امنیت توسط شاه که موجبات رونق کار تجار، بازاریان و صنعتگران را فراهم آورده بود، از وی سپاسگزاری کرد (میرزاصالح، ۱۳۷۲، ۳۰۴-۳۰۶).

درحقیقت برقراری امنیت در راه‌های بین شهری در این زمان خود، عامل مهمی برای گسترش و اشاعه‌ی تجارت در ایران گردید و شاید همین امنیت تا حدی موجب شد که بسیاری به سوی تجارت سوق داده شوند (نفیسی، ۱۳۸۶، ۸۴).

## ۲-۲. موضع بازار در برابر سلطنت رضاشاه

اگرچه واکنش شهرستان‌های مختلف در ارتباط با به سلطنت رسیدن رضاشاه متفاوت بود و در مورد اصفهان آمده که «مردم ظاهراً به‌کلی بی‌طرف بودند» و نه از سقوط قاجارها

رویکرد بازار اصفهان به سیاست‌ها و مصوبات حکومت پهلوی اول ... | ۱۶۳

متأسف بودند و نه اشتیاقی به سلسله‌ی جدید داشتند، اما تجار سرشناس این شهر چون «حاج محمد حسین امین الضرب» و «حاج محمد تقی بنکدار» در کنار حامیان این حکومت قرار گرفته بودند (کرونین، ۱۳۸۷، ۴۱-۴۲). از این رو، در کنار جشن‌هایی که در نقاط مختلف کشور به مناسبت به تخت‌نشینی رضاشاه در آبان ۱۳۰۴ برگزار شد، جشن‌های متعددی نیز در اصفهان از سوی تجار و اصناف تدارک دیده شد (گزارش برگزاری جشن‌های بر تخت نشستن رضاشاه در اصفهان، ۱۳۰۴). این مجالس در توابع اصفهان چون قمشه و نجف‌آباد نیز همراه با پذیرایی از عموم برگزار شد (همان).

مراسم فوق‌الذکر که در آن با چراغانی بازارها و معابر، ظاهر شهر را تغییر داده بودند، با نطق‌هایی همراه بود که تلاش داشتند ذهنیت مطلوبی را از سلطنت جدید ایجاد نمایند. در این بین هیئت نمایندگان اصناف اصفهان طی نامه‌ای از کلیه‌ی اصناف درخواست کرد که با برپایی جشن و چراغانی در این مراسم شرکت کرده و به این ترتیب به «پیشرفت و عظمت مملکت» کمک نمایند (همان).

جشن‌های برگزار شده توسط تجار در حالی برپا می‌شد که حکومت اصفهان نیز تلاش می‌کرد با برگزاری محافلی چند، سلطنت جدید را حمایت کند (همان). در این محافل همواره تجار از گروهایی بودند که از سوی حکومت به حضور و همراهی دعوت می‌شدند (همان).

جدای از این، استقبال تجار - عمدتاً مطرح - اصفهان از رضاشاه در سفرهای سه‌گانه‌اش به این شهر نمودی دیگر از مواضع حمایتی این طیف نسبت به سلطنت جدید بود. به‌نحوی که در اولین سفر رضاشاه به اصفهان که در آذر ۱۳۰۷ صورت گرفت (گزارش سفر رضاشاه به اصفهان، بی‌تا)، اصناف و تجار در زمره‌ی گروه‌هایی بودند که «در ساعت مقرر» به دیدار وی رفتند.

در دومین سفر رضاشاه به اصفهان نیز که در سوم آبان ۱۳۱۱ در زمان «حکومت میرزا رضا خان افشار» (همان) صورت گرفت، «آقای اعتمادالتجار به معیت جمعی از تجار محترم از قبیل حاج میرزا محمود بنکدار، حاج میرزا محمود نقشینه، حاج میرزا محمد باقر و حاج میرزا محمد جعفر کازرونی» به ملاقات رضاشاه رفتند. در جلسه‌ی مذکور تجار و

رضاشاه در مورد موضوعات متعدد اقتصادی مذاکره کردند. چنان‌که رضاشاه «دستورات لازم در تأسیس شرکت و کمپانی‌های لازمه و کارخانه نختابی و کارخانه قند دادند...» (همان). مذاکراتی از این دست می‌توانست طبقه‌ی تجار و اصناف را به حکومت جدید خوش‌بین ساخته و به سوی حمایت و همکاری با دولت در زمینه‌های مختلف سوق دهد. در سومین سفر رضاشاه به اصفهان که در فروردین ۱۳۱۶ صورت گرفت نیز تجار رویه‌ی سابق را ادامه دادند. تجار اصفهان با برگزاری مراسم خیرمقدم تلاش می‌کردند حمایت خود را از سیاست‌های حکومت پهلوی ابراز دارند. از جمله‌ی این مراسم می‌توان به «چراغانی آقای امین‌التجار و اخوان» که «سه شب متوالی در عمارت عالی قاپو... ادامه داشت» اشاره کرد (گزارش سفر رضاشاه به اصفهان، بی‌تا). حمایت‌های تجار و اصناف پس از ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ش به دلیل سیاست‌های اقتصادی رضاشاه، قوانین دست‌وپاگیر انحصار تجارت خارجی و مداخلات دولت در امور اقتصادی کم‌رنگ شد.

### ۳. رابطه‌ی اقتصادی بازار و حکومت پهلوی

نیاز دستگاه حاکمه به نقدینگی از سویی دولت را به طبقه‌ی تجار که بیشترین سرمایه‌ها را در دست داشتند و از سوی دیگر به اصناف و طبقات پایین‌تر بازار به سبب اخذ مالیات نیازمند می‌کرد. شایان ذکر است که این رابطه، رابطه‌ی دوجانبه بوده و همان‌طور که اشاره شد حکومت در قبال تأمین منابع مالی خویش، موظف به حفظ امنیت، نظم و ایجاد بستری مناسب برای تجارت و خریدوفروش در جامعه بوده است.

#### ۳-۱. اتاق تجارت

##### ۳-۱-۱. زمینه‌های تأسیس اتاق تجارت

عدم ثبات در عرصه‌ی اقتصادی و تجاری که ناشی از ناکارآمدی دولت قاجار بود از یک سو و آگاهی‌های روزافزون تجار از شرایط رو به رشد تجارت جهانی و تحولات اقتصادی دنیا از سوی دیگر، تجار را به فکر ایجاد نهادی برای تحکیم موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود انداخت. تلاش و مساعی تجار عصر قاجار در تأسیس نهادهایی همچون

مجلس وکلای تجار و هیئت اتحادیه‌ی تجار در همین راستا صورت گرفت.

### ۲-۳-۱. تأسیس اتاق تجارت

اگرچه عواملی چون برقراری امنیت باعث حمایت تجار از حکومت رضاشاه شده بود، اما با گذر زمان آنان متوجه شدند که گسترش استبداد و نظارت دولت و انحصار تجارت توسط دولت، منافعشان را در معرض تجاوز و تعدی قرار می‌دهد. لذا بار دیگر تصور تأسیس نهادی مؤثر بر اذهان تجار نقش بست. در همین زمان دولت پهلوی نیز که با تقلید از کشورهای همچون ترکیه دست به تأسیس نهادهای مدرن زده بود، هم‌زمان با تأسیس اتاق‌های تجارت ایرانیان در خارج از کشور، در داخل نیز بر طبق تصویب‌نامه‌ی هیئت دولت به وزارت فواید عامه تصمیم بر تأسیس اتاق تجارت تهران گرفت. اما تفاوت بنیادین اتاق تجارت در این دوره در این بود که اتاق تجارت نهاد دولتی محسوب می‌شد که ملزم بود فعالیت‌های خود را با بودجه‌ی دولت هماهنگ سازد و در واقع بیشتر در جهت اهداف دولت گام بر می‌داشت (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ۱۶۵-۱۶۷).

نخستین اتاق تجاری ایران پس از مصوبه‌ی هیئت دولت در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۵ در وزارت بازرگانی در تهران و با ریاست حاج محمد حسین امین‌الضرب آغاز به کار کرد (احمدزاده، ۱۳۹۰، ۲۲۸؛ سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴، ۹۷-۹۸).

### ۳-۱-۳. تأسیس اتاق تجارت اصفهان

در پی تأسیس اتاق تجارت در تهران، اصفهان نیز به‌عنوان یکی از مراکز ثقل تجارت کشور در صدد اخذ مجوز لازم برای تأسیس اتاق تجارت برآمد. تأسیس اتاق تجارت اصفهان طی جلسه‌ی هیئت دولت به تاریخ ۱۳۰۸/۲/۲۴ به تصویب رسید (نامه وزارت تجارت و فلاحه راجع به تأسیس اتاق تجارت اصفهان، ۱۳۰۸) و مفاد ۱۳ و ۱۴ نظامنامه که شرایط انتخابات را تعیین می‌کرد برای مرکز اصفهان ارسال شد (همان). طی مکاتبات مذکور، نظام‌الدین حکمت، حکمران اصفهان، به‌عنوان نماینده‌ی وزارت تجارت در اصفهان برای تشکیل کمیسیون انتخابات معرفی و دستورالعمل دولت برای برگزاری انتخابات اتاق اعلام

شد (همان).

انبوهی از مکاتبات موجود نمایانگر معضلاتی است که تجار اصفهان، در تأسیس اتاق تجارت با آن مواجه بودند. بنابر مکاتبات مذکور عواملی که در آن زمان مانع از شکل‌گیری اتاق تجارت در اصفهان می‌شد، عبارت بودند از:

(۱) اختلاف دولت مرکزی و تجار بر سر تعداد اعضای اتاق تجارت

(۲) استعفای تعدادی از تجار با نفوذ عضو هیئت نظار

(۳) عملکرد و اقدامات غیر قانونی هیئت نظار در اصفهان

بنابر مصوبه‌ی وزارت فلاح و فوائد عامه تعداد اعضای اتاق‌های تجارت بین ۶ تا ۱۵ نفر تصویب شده بود، اما تجار اصفهان طی نامه‌ای به وزیر وقت وزارت، خواهان افزایش این تعداد به ۲۴ نفر بوده‌اند (همان). در نهایت امر تجار طی مکاتباتی دخالت دولت در حل معضلات مربوطه و رفع این مشکلات از روند انتخابات اتاق تجارت اصفهان را خواستار شدند (همان). با رفع موانع و مشکلات موجود و پس از ابلاغ بخشنامه به اصفهان، فهرستی از اسامی تجار و محل فعالیت آنها تهیه و انتخابات تحت شرایط اعلام شده برگزار شد. سپس اسامی منتخبین به مرکز مخابره و دولت از بین آنها افراد ذیل را به‌عنوان اعضای اصلی اتاق تجارت اصفهان اعلام کرد.

حاج محمد حسین کازرونی، میرزا محمد حسین دهدشتی، آقا محمد آقا هراتی... (اتاق تجارت، ۱۳۱۰، ۳).

مدت اعتبار اتاق‌های تجارت که بر اساس نظامنامه‌ی مصوب دولت ۳ سال بود در ۱۳۱۳ ش به پایان رسید و مقدمات برگزاری انتخابات جدید فراهم شد (اطلاعات، ۱۳۱۳، شماره ۳، ۲۳۷۹، ۳؛ شماره ۲۳۹۶، ۳).

دوره‌ی دوم اتاق تجارت جدید اصفهان نیز در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۷ پایان یافت و دولت طی اعلامیه‌ای از تجار و تجارتخانه‌ها برای شرکت در دور جدید انتخابات اتاق تجارت در اصفهان دعوت به عمل آورد (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ۳۳۱).

در واقع، این انتخابات آخرین دور انتخابات اتاق تجارت در دوره‌ی رضاشاه بود. با ورود متفقین به ایران و برکناری رضاشاه از سلطنت بسیاری از بازاریان که در دوره‌ی او

بر اثر سیاست‌های اتاق بازرگانی و قانون انحصار تجارت خارجی در اختیار دولت متقبل ضرر و زیان‌های بسیاری شده بودند، به سیاست‌های اتاق اعتراض کردند و خواستار بازبینی قوانین آن شدند.

۳-۲. قانون انحصار تجارت خارجی و تأثیر آن بر روابط حکومت و بازار  
نگرش مثبت تجار به سیاست‌های اقتصادی حکومت به دلیل تلاش دستگاه حکومت مبنی بر ایجاد سلطه‌ی اقتصادی بر فعالیت تجار، به بدبینی و نارضایتی طیفی از بازاریان و تجار منتهی شد. از جمله برنامه‌های حکومتی که احساس نارضایتی را در این گروه برانگیخت، اجرای «قانون انحصار تجارت خارجی» بود. دولت از اجرای این طرح اهداف اقتصادی متعددی را در نظر داشت (اتاق تجارت، ۱۳۰۹، ۱۰-۱۱).

پس از تصویب این قانون روزنامه‌های عصر در تأیید عملکرد دولت در این زمینه مطالبی نوشتند. از آن جمله روزنامه‌ی /خگر در صفحه‌ی اول ۲۷ اسفند ۱۳۰۹ نوشت: «اولین فایده وضع قانون انحصار تجارت خارجی جلوگیری از واردات اجناس غیرضروری است که سالیانه مبالغ عمده‌ای از این طریق از مملکت خارج می‌شد... قانون انحصار تجارت خارجی تنها یک قانون ساده نیست، بلکه یک نقشه اقتصادی وسیعی است که تمام فعالیت‌های آن در محور ترقی نهضت صنعتی و فلاحتی ایران دور می‌زند.» البته اگر این انحصارات با دقت و تبعیض انجام می‌شد موجب ثبات اوضاع می‌گردید، اما برخی از تجار با نزدیک شدن به مقامات از منافع صدور جوازهای وارداتی و انحصارات منتفع می‌شدند (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴، ۲۷).

جدای از نارضایتی تجار از مسئله‌ی قانون انحصار تجارت خارجی، آنچه طیفی از تجار را به مخالفت با حکومت رضاشاه سوق داد، لغو مالیات ۲۱۶ صنف بود. علت نارضایتی تجار از این اقدام آن بود که لغو این‌گونه مالیات‌ها برابر بود با کاهش قدرت و میزان اختیارات رؤسای هر صنف در تعیین مالیات اعضا که نتیجه‌ی آن تضعیف سازمان‌ها و تشکیلات بازار بود (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴، ۱۸۸-۱۸۹ به نقل از مذاکرات مجلس ششم، قانون لغو مالیات اصناف).

### ۳-۳. قوانین مالیاتی و واکنش بازار

از دیگر مصوبات اقتصادی که بر فعالیت بازار تأثیر مستقیم داشت قوانین مالیاتی بود که گاه به دلیل تازگی و گاه در مرحله‌ی اجرا با معضلاتی مواجه می‌شد. از آن میان به‌عنوان نمونه به یکی از این قوانین که بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در بازار اصفهان داشت اشاره می‌شود.

این قانون با نام قانون خالصه‌جات انتقالی شناخته شده است و مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۰۶ بود. بر اساس این قانون املاک انتقالی به املاکی اطلاق می‌شد که پس از سال ۱۳۰۰ ق در تصرف دولت بود و بعد از آن به تصرف اشخاص در آمده بود. این املاک در صورت داشتن یکی از شروط زیر، ملک مالکین خصوصی که در آن تاریخ متصرف آن بودند شناخته می‌شد و از حیث مالیات تابع مقررات قانون مذکور بود:

«الف) املاک و خالصه‌جاتی که دارای سند رسمی باشند؛ ب) خالصه‌جاتی که تا اول بهمن ماه ۱۳۰۶ انتقالی بودن آن مورد تصدیق طرفین (دولت و متصرف) باشد؛ ج) خالصه‌جاتی که تا تاریخ فوق به مدت حداقل ۳۰ سال در تصرف شخص بوده اعم از اینکه از طرف دولت مورد تعرض و مداخله واقع شده یا نشده باشد؛ د) خالصه‌جاتی که به مدت ۲۰ سال بدون دخالت و تعرض از جانب دولت در تصرف شخص قرار داشته باشد.» قابل ذکر است خالصه‌جاتی که قبل از سال ۱۳۰۰ ق به تصرف اشخاص درآمده بودند در صورتی که مشمول بند ب نمی‌شد ملک اربابی شناخته و از حیث مالیات تابع مقررات قانون املاک اربابی بود (مجموعه قوانین، ۱۳۷۱، ۲۲۰-۲۱۹؛ ۱۱۵؛ ۳۴).

#### ۳-۳-۱. بازتاب اجرای قانون خالصه‌جات انتقالی در اصفهان

پس از آنکه اداره‌ی مالیه‌ی اصفهان در صدد اجرای قانون مذکور برآمد، با معضلاتی در این زمینه مواجه شد. عمده مشکل پیش‌آمده مربوط به صاحبان اصناف و حرف در میدان قدیم اصفهان بود که از جمله مهم‌ترین بازارها و مراکز مبادله کالا در این شهر به شمار می‌آمد. دلیل آن نوع بافت بازار و زمین و متصرفات و دکاکین اصناف بود. بر طبق گزارشی دکاکین این بازار بر سه نوع بودند: دسته‌ی اول دکاکینی که در اطراف میدان ساخته شده و بنای آن

از خشت و آجر بوده و از تاریخ تأسیسات آن در آن زمان حدود صد سال می‌گذشت. دسته‌ی دوم شامل قسمتی از فضای میدان بود که بازار و دکان شده بود. صاحبان این دسته دکاکینی که از چوب ساخته شده بود، خود را مالک عرصه نمی‌دانستند و آخرین دسته آنهایی بوده که در عرصه‌ی میدان بود و بنایی نداشتند مانند چهارشنبه بازار (نامه‌ی دیوان محاکمات به مدعی‌العموم راجع به عرصه‌ی دکاکین میدان قدیم اصفهان در راستای اجرای قانون خالصه‌جات دولتی، ۱۳۱۲).

با این وضعیت، حکومت در صدد تعیین وضعیت دکاکین این بازار برآمد چراکه نوع زمین بر وضعیت مالکیت و در نتیجه بر میزان مالیاتی که صاحبان دکاکین فوق‌الملزم به پرداخت آن بودند، تأثیر داشت. اقدام نمایندگان حکومتی در تعیین وضعیت دکاکین به ایجاد سردرگمی و کشاکشی بین بازار و مراجع حکومتی منجر شد. در گزارشی آمده: «چون دکاکین اطراف میدان قدیم طبق دفتر رقبه مسبق به خالصگی بود و عرصه میدان را هم بمرور اشخاص تصرف نموده و دکاکین روی آن بنا نموده بودند و در ثبت عرصه و اعیانی را به نام خود تقاضای ثبت نموده بودند، اداره مالیه ناچار بود از نظر حفظ حقوق دولت بعرضه مستغلات اعتراض نماید و چون عرصه میدان را مالیه خالصه دولت می‌شناخت دعوی بمنال خالصگی موضوع نداشت» (همان). این درحالی بود که بلدی‌ه‌ی اصفهان، علاقه‌مند بود که تکلیف دکاکینی که از نوع اربابی نبود و بدون مجوز وارد عرصه‌ی میدان که قانوناً جزء بلدی‌ه محسوب می‌شد، مشخص شود (همان).

از میان دسته‌های صاحبان دکاکین، دسته‌ای که دکاکین آنها وارد عرصه‌ی میدان شده بود، برای دولت ایجاد نگرانی بیشتری می‌کردند. به‌علاوه گروه‌های دیگری نیز حاضر به همکاری با دولت نشدند (همان). به همین منظور خواسته شده بود که خالصگی مستغلات از همه‌ی متصرفین گرفته شود (همان). بدین ترتیب گروه‌های مختلف اصناف با مسامحه و تعلل در ارائه‌ی مدارک، «عدم پرداخت دیناری بابت منال» و عدم پذیرش تعقیب دعوی که «نسبت به ماهیت و عرصه» صورت گرفته بود و بی‌مورد بودن چنین دعاوی‌ای اداره‌ی مالیه را تحت فشار قرار داده بودند (همان). واکنش‌های فوق‌هر یک از طرف طیفی از اصناف با توجه به منافعشان ابراز شده بود. چنین معضلاتی باعث شد که کمسیون‌ی به

منظور حل اختلاف بین دولت و اصناف شکل گیرد.

پس از کشاکش‌های بسیار به‌ناچار مدعی‌العموم دیوان محاکمات به منظور بررسی این معضل تعیین شد و با بررسی شکایات و مدارک، تصمیم بر آن گرفت که «کلیه مستغلات مسبوق بخالصه میدان قدیم اصفهان را مشمول قانون مستغلات انتقالی» دانسته و باخذ ده برابر صدی پنج مالیات مستغلات آنها اکتفا شود و رفع تعرض از منال و ثبت صورت پذیرد (همان).

۳-۴. برنامه‌های توسعه‌ی صنعت و تأثیر آن بر روابط حکومت و بازار

تلاش رضاشاه به منظور توسعه‌ی صنعت و ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی وی را به سوی برقراری رابطه با تجار و بازاریان سرشناس که توان کمک به وی در تحقق اهداف مورد نظر را داشتند سوق داد. روزنامه‌ی دیلی میل<sup>۱</sup> به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۱۰ در این راستا آورده است:

«کارخانه‌های بزرگی در ایران در حال تأسیس است و این قسمتی از نقشه شاه ایران برای صنعتی کردن ایران است و کمیته‌هایی از بازرگانان و سرمایه‌داران بدین منظور تشکیل گردیده است» (نوری اسفندیاری، ۱۳۹۱، ۶۸۸).

اصفهان که شاهد فعالیت تجار نخبه و مطرح بود می‌توانست در این زمینه نقش بسزایی داشته باشد. از این‌رو، مطالعات بسیاری از طرف حکمران این شهر برای تشکیل شرکت‌هایی در اصفهان به عمل آمد و «بالاخره شرکت نخ‌ریسی و چیت‌بافی را مناسب دیده و برای مذاکرات لازمه به موضوع فوق... دعوتی از عده‌ای اعیان و تجار به عمل آمد» (خگر، ش ۷۹۹، ۱۳۱۱، ۴).

روزنامه‌ی منچسترگاردین<sup>۲</sup> نیز به مشارکت تجار در طرح‌های اقتصادی دولت و همراهی آنان در تحقق اهداف دولت در این زمینه اشاره کرده می‌نویسد: «دو دسته از بازرگانان اصفهانی مصمم‌اند که سرمایه‌ی خود را در صنایع پنبه و پارچه‌بافی به کار بیندازند» (نوری اسفندیاری، ۱۳۹۱، ۸۸۲).

1 . Daily Mail  
2 . Manchester Guardian

رویکرد بازار اصفهان به سیاست‌ها و مصوبات حکومت پهلوی اول ... | ۱۷۱

به این ترتیب شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان (ریسباف) به همت عده‌ای از تجار اصفهان در دی ماه ۱۳۱۱ تأسیس و در تیر ماه ۱۳۱۳ مشغول به کار شد، در حالی که هیئت رئیسه‌ی آن را تجار معتبر اصفهانی تشکیل می‌دادند. به علاوه شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی (زاینده‌رود) اصفهان نیز با تلاش فرزندان حاج حسین کازرونی که از تجار بنام اصفهان بود تأسیس گشت (نورصادقی، ۱۳۱۶، ۱۷۶-۱۷۷).

در ادامه زمینه‌ی تشکیل دومین شرکت بزرگ سهامی در اصفهان ایجاد شد. این شرکت نیز که با تلاش «افشار»، حکمران اصفهان، و همکاری تجار این شهر تأسیس شد، «شرکت سهامی صادرات و واردات اصفهان» نام داشت که هدف آن ورود به عرصه‌ی معامله‌ی قند و شکر و کبریت بود. شرکای این شرکت «قریب پنجاه نفر از تجار و کسبه اصفهان» بودند (خگر، ش ۸۵۸، ۱۳۱۱، ۳). به این شکل برنامه‌ی دولت در جهت سازمان‌دهی توان بالقوه‌ی اقتصادی در این شهر باعث شد که تا ۱۲ مهر ۱۳۱۲ «کارخانه‌های اصفهان که تا به حال بالغ بر ۱۸ کارخانه است به استثنای کارخانه وطن تمامی در مدت سه سال» تشکیل شود (خگر، ۱۳۱۵، ۲).

در این بین شخص رضاشاه نیز با سفرهای خود به اصفهان و بازدید از کارخانجات و روند فعالیت آن و تشویق تجار و سرمایه‌گذاران، این طیف را به تداوم فعالیت‌های خویش ترغیب می‌کرد (خگر، ش ۷۹۴، ۱۳۱۱، ۲).

#### ۴. رابطه‌ی بازار و حکومت در زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی

با فرا رسیدن عصر پهلوی فصل نوینی در سیر تغییرات و تحولات اجتماعی که از اواخر عصر قاجار و در ابتدایی‌ترین صورت در قالب تغییر در نوع پوشش آغاز شده بود، پدید آمد. تمایل رضاشاه به انجام اصلاحات به منظور تغییر در ساختار جامعه‌ی سنتی ایرانی و تبدیل آن به جامعه‌ی مدرن و نوین باعث شد که وی نیز در صدد انجام پاره‌ای تغییرات در پوشش و ظاهر ایرانیان برآید.

#### ۴-۱. بازتاب یک‌شکل کردن لباس در اصفهان و نقش بازار در اجرای این طرح

از آنجایی که اجرای این طرح که نوعی بدعت در پوشش به شمار می‌رفت می‌توانست به

واکنش‌های اجتماعی منجر شود، لذا تمهیداتی به منظور اجرای آن در نظر گرفته شد. به نحوی که در وهله‌ی اول تلاش شد که با تبلیغات و توضیح و تشریح برنامه‌ی مذکور اذهان عمومی نسبت به این طرح خوش‌بین شود، از این‌رو با پیام‌هایی به مردم اقدام به یک‌شکل کردن لباس را با وطن‌پرستی، مجد و شرافت ارتباط می‌دادند و آن را توصیه می‌کردند: «تا به سرعت هرچه تمام‌تر در اجرای قانون اقدام نموده و تأخیری نکنند» (دستورالعمل اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه، ۱۳۰۸).

با وجود این عدم پذیرش طرح توسط طیف‌های مختلف از جامعه به‌ویژه اصناف موجب آن شد که در وهله‌ی دوم حکومت به تهدید متخلفین مبادرت کرد. در گزارشی آمده است که رئیس‌نظمیه‌ی اصفهان «کمیساریا» و مأمورین را موظف کرده بود در برابر «کسبه و اصناف که به لباس متحدالشکل ملبس نشده‌اند» اقدامات مقتضی را به عمل آورند (همان). بدین ترتیب حکومت ملزم شد به کلیه‌ی «آژان‌ها» اعلام کند که «کسبه و اصناف و اشخاص غیر روحانیون که ملبس به لباس متحدالشکل نشده‌اند را جلب نماید» (همان). همچنین مأمورین شهرداری، تجار و بازرگانانی را که البسه‌ی ممنوعه در اصفهان می‌فروختند، مجازات و جریمه می‌کردند (سیدبنکدار، ۱۳۸۶، ۱۸۱).

با توجه به گزارش‌هایی که به دست آمده به نظر می‌رسد ظاهراً تعداد قابل‌توجهی از تجار، خاصه سرشناسان این رسته از طرح یک‌شکل شدن لباس استقبال کردند. به همین سبب بود که بنا بر دعوت سرشناسان تجار جشن‌های متعددی به منظور اجرای این قانون برگزار می‌شد. غالب این جشن‌ها در منازل همین افراد برگزار می‌گردید (گزارش برگزاری جشن‌های تجار اصفهان در راستای اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه، ۱۳۰۷). در این مجالس میزبان و یا ملک‌التجار و یا سایر تجار مطرح در مجلس مبادرت به تغییر لباس می‌کردند، سایر تجار شرکت‌کننده که تعداد آنان به صد نفر و یا قریب یک‌صد و پنجاه نفر هم می‌رسید به آنان تأسی می‌کردند (همان).

تعداد چنین جشن‌هایی در گزارشی که نظمیه در مورخه ۱۳۰۷/۹/۱۴ ارائه داده است به ۱۰ عدد می‌رسید که توسط «تجار اصناف و متفرقه برای تغییر فرم» تشکیل شده بود و در طی آن تقریباً دو ثلث از اهالی شهر ملبس به لباس و کلاه پهلوی شده بودند (همان). به

نظر می‌رسد نظیبه با جدیت بر نحوه و چگونگی برگزاری این جشن‌ها نظارت داشته و گزارش آن را با دقت ضبط و منتقل می‌کرده است، حتی اسامی تجار موافق و مخالف و مکالمه‌ی افراد نیز در این گزارش‌ها ثبت می‌شده است. به‌عنوان نمونه در گزارشی اشاره شده که «حاج محمد باقر ملک التجار» عمامه‌ی خود را تبدیل به کلاه پهلوی نمود (همان). برگزاری جشن‌های متعدد توسط تجار اصفهانی موجب شد تجار «بلوکات» و توابع اصفهان نیز که همواره تلاش می‌کردند با تجار اصفهان همسو باشند، اقدام به برگزاری جشن کنند. از خلال گزارش‌های متعدد ثبت‌شده بر می‌آید که روند جشن‌های مذکور تفاوتی با آنچه در اصفهان اجرا می‌شده، نداشته است. چنانچه در گزارشی از نجف‌آباد اصفهان آمده: «عموم رؤسا و تجار و نمایندگان اصناف به کلاه پهلوی مفتخرند و با یک عالم مسرت جشن شایانی هم گرفته‌اند...» (همان). در این راستا در گزارشی از اداره‌ی حکومت اصفهان در مورد سایر بلوکات هم آمده: «در اغلب بلوکات هم از قبیل شهرضا و غیره که کلاه روز وجود ندارد اغلب اهالی آنجا از شهر به قدر لزوم کلاه برده ...» (همان). همچنین سیصد نفر اهالی «طهران کرون» از اقشار مختلف نیز ملبس به لباس جدید شده و درخواست ارسال کلاه جدید برای اهالی این شهر مطرح شده بود (همان). در گزارش دیگری نیز به استقبال اهالی اردستان از این نوع پوشش اشاره شده است (همان).

در برابر موافقین این طرح، اقشار و طیف‌های مختلفی نیز از اقدام به این عمل سر باز زدند. چنان‌که در یکی از جشن‌هایی که تجار اصفهان برگزار کردند، در سخنان یکی از تجار آمده: «اجمالاً ما تجار اصفهان از همه‌جا عقب هستیم و من خیر صریح دارم که یزد و شیراز [ناخوانا] طهران و سایر شهرها از ماها زودتر کلاه پهلوی سر گذارده‌ان ...» (همان). چنانچه از گزارش بر می‌آید علی‌رغم توصیه‌های مؤکدی که بر استفاده از کلاه و لباس جدید شده بود، تعدادی از تجار حاضر به پذیرفتن آن نشدند. اسامی برخی از این افراد آمده است. «حاجی معین التجار و صدر انارکی و سید عبدالرحیم قزوینی» از آن جمله بودند. برخی نیز در برابر اصرار موافقین «بهاه و عذر کردند» (همان).

البته در جشن بعدی افراد مذکور نیز ملبس به لباس مذکور شدند. آنان به همراه تنی چند از تجار و نیز دلال‌های تریاک درحالی‌که لباس خویش را تغییر دادند، به سایرین

ملحق شدند (گزارش برگزاری جشن‌های تجار اصفهان در راستای اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه، ۱۳۰۷).

جدای از تأثیرات اجرای این طرح بر اوضاع فرهنگی و اجتماعی، طرح مذکور از نظر اقتصادی نیز تأثیرات متعددی داشت. شاید اولین تأثیر آن بر شعبه‌ای از اصناف بوده باشد. در گزارش‌های به دست آمده صنف عبا باف که از اجرای طرح یک‌شکل شدن لباس دچار آسیب شده بود با تهیه عریضه‌ای مفصلاً به معضل پیش‌آمده پرداخته‌اند. طیف مذکور پس از مقدمه‌چینی، اعلام کرده‌اند که با توجه به اینکه تعداد زیادی از آنان از طریق شغل بافندگی و تجارت عبا زندگی می‌کرده‌اند و «در حال در آن قانون اتحاد شکل اگرچه رسم عبا بافی را منع نکرده‌اند اما اجازت صریحه نیز در استثنای عبا نداده‌اند و پوشیدن عبا روی لباس متحدالشکل نیز منافی با کلاه و لباس نیست و حافظ و جلوه‌دهنده آن لباس هم هست که از آلودگی و کهنگی آن البسه را محفوظ می‌دارد»، عبا ممنوع نباشد و با لباس متحدالشکل پوشیده شود. عبا بافان به شدت نگران ممنوعیت عبا بافی بودند چون «در آن صورت تمام آن کسبه پریشان و گدا خواهند شد» و از حکومت توجه و حل مسئله را درخواست کردند (دو سری سند درخواست صنف عبا باف اصفهان به منظور ادامه فعالیت، ۱۳۰۸ و بی تا).

پاسخ حکومت به صنف عبا باف اصفهان در برابر از رونق افتادن کار و کسب آنان به واسطه متحدالشکل شدن البسه آن بود که: «برای اعاده مرغوبی امتعه خود پارچه ببافند که به کار لباس معمول بخورد» و اینکه «عبا برای زمستان و حفظ از سرما ممنوع نیست» (همان).

در برابر ضربه‌ای که بر صنف عبا باف وارد آمد، طرح یک‌شکل شدن لباس، زمینه‌ی تقویت فعالیت اقتصادی کارخانجات نساجی اصفهان را فراهم آورد. در اعلانی از طرف بلدیة اصفهان به تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۷ پس از اشاره به «استقبال اهالی محترم اصفهان از طرح یک‌شکل شدن لباس خاطر اهالی محترم را متوجه می‌دارد که در تهیه پارچه‌های البسه رعایت این نکته را نیز نموده و به جای خرید پارچه‌های گران‌قیمت از امتعه و منسوجات داخلی که به دست کارگران اصفهانی و سایر نقاط ایران تهیه می‌شود استفاده

نمایند زیرا علاوه بر اینکه پارچه‌های کشف و کرباس و غیره که در اصفهان تهیه می‌شود دارای قیمت مختصر و مقرون به صرفه است موجبات تشویق کارگران نیز فراهم گردیده و این صنعت که در اثر غفلت و عدم توجه از بین رفته حیات تازه‌ای حاصل و نتیجه آن عاید مملکت که عموم در نفع و ضرر آن شرکت دارند خواهد گردید» (درخواست صنف عبا باف اصفهان به منظور ادامه‌ی فعالیت). در این راستا روزنامه‌ی دانش (۱۳۱۰، ۵) در شماره‌ی ۱۵ و ۱۶ خود نوشت: «ما ایرانی‌ها امروز باید افتخار کنیم که احتیاج به البسه خارجی نداریم و باید کوشش کنیم از پارچه‌های وطن خویش که مدتر، شیک‌تر بادوام‌تر از پارچه‌های خارجه است مورد احتیاج خود قرار دهیم مخصوصاً پارچه‌های جدیدی که به قیمت خیلی مناسب از کارخانه آقای حاجی محمد حسین صاحب کازرونی و پسران بیرون آمده و از جدیت و فعالیت شخص مدیر محترم کارخانه وطن آقای آقا میرزا محمد جعفر کازرونی بحمد الله روزبه‌روز بر توسعه این مؤسسه ملی افزوده می‌شود...» به هر صورت با توجه به اجرای طرح یک‌شکل شدن لباس انتظار می‌رفت که در وضعیت نساجی اصفهان نیز ترقیاتی حاصل آید.

#### ۲-۴. بازتاب کشف حجاب در اصفهان

طرح کشف حجاب پس از طی مقدمات در نظر گرفته شده توسط هیئت وزیران در جلسه ۴ دی ۱۳۱۴ مطرح شد (صفایی، ۲۵۳۵، ۱۰۴). تمهیدات لازم به منظور اجرای مؤثر تر این طرح در اصفهان نیز همانند سایر مناطق اجرا گشت. عاملان اجرای این طرح می‌دانستند که در این شهر نباید به یکباره مبادرت به کشف حجاب نمایند. در گزارشی در این زمینه آمده است: «در مثل اصفهانی جایی که حتی درشکه‌چی‌های آن هم معمم بوده‌اند این قبیل از مسائل و ترک عادت چندصد ساله باید به تدریج عملی گردد...» (خسونت و فرهنگ، سند ۱۰۳، ۱۳۷۸، ۶۰).

چنانچه از بطن گزارش‌های به ثبت رسیده بر می‌آید، طرح کشف حجاب اگرچه در اصفهان با استقبال گروه‌هایی مواجه شد، اما مقاومت‌های متعددی نیز با توسل به روش‌های مختلف اعمال گردید. واکنش‌های منفی مردم اصفهان و توابع آن به صور مختلف نمود

یافت: ترک تحصیل «محصلات» (خسونت و فرهنگ، سند ۹۱ و ۹۶، ۱۳۷۸، ۵۴، ۵۷)، تمسخر و استهزای زنان بی‌حجاب (همان، سند ۹۶، ۱۳۷۸، ۵۷)، تلاش به منظور بازگرداندن حجاب (همان، سند ۹۸، ۱۳۷۸، ۵۸) و عدم رعایت موازین کشف حجاب (همان، سند ۱۰۳، ۱۳۷۸، ۶۱) از جمله واکنش‌های منفی شکل‌گرفته در این شهر در مقابل کشف حجاب بود.

#### ۴-۲-۱. نقش بازار در اجرای طرح کشف حجاب در اصفهان

عملکرد تجار مطرح اصفهان در این زمان تا اندازه‌ای مشابه با عملکرد دستگاه‌های حکومتی، اما به صورت محدودتر بود. به نحوی که جشن‌های متعددی به منظور تبلیغ این برنامه برگزار شد که در آن تعداد بسیاری حضور یافته و تجار کلان؛ یعنی «طبقات عالی» شهر با استقبال از این طرح دیگران را نیز ترغیب و تشوق به پذیرش می‌کردند (خسونت و فرهنگ، سند ۹۲ و ۹۳، ۱۳۷۸، ۵۵).

در مجموع جشن‌ها و برنامه‌های اجرا شده توسط تجار در کنار برنامه‌های سایر نهادها، نتیجه‌ای مطلوب را برای حکومت در برداشت به نحوی که حکومت اصفهان اعتراف کرد: «مثل اینکه دعوتی که از طرف کارخانه ریساف به عمل آمده بود فوق‌العاده با معنی و مفید بود» (همان، سند ۹۳، ۱۳۷۸، ۵۵). این برنامه‌ها به منظور ابراز حمایت تجار از دستگاه حکومت و در جهت برقراری و تثبیت روابط حسنه‌ی تجار و حکومت بود. به همین منظور متصدیان حکومت اصفهان نیز به مجالس برگزار شده دعوت می‌شدند (همان، سند ۹۳، ۱۳۷۸، ۵۵) تا از نزدیک شاهد هماهنگی تجار با سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی حکومت باشند. اگرچه طیفی از تجار به همسویی با سیاست‌های حکومت در این زمینه پرداختند، اما این طرح تا اندازه‌ای بر فعالیت اقتصادی گروه‌هایی از اصناف تأثیر نامطلوب بر جای نهاد. از جمله این پیامدها ضربه‌ای است که بر کسبه‌ی شهر به دلیل فعالیت دوره‌گردان وارد آمد که خود بازتابی از اجرای قانون کشف حجاب و در نتیجه عدم حضور زنان در بازار بود. به نحوی که در درخواستی از سوی کسبه‌ی اصفهان به تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۱۵ از حکومت تقاضا شده که از افزایش فعالیت دوره‌گردان کلیمی در شرایطی که

حضور زنان با چادر در جامعه ممنوع شده است، ممانعت به عمل آید (همان، سند ۲۲۰، ۱۳۷۸، ۷۲۲). همچنین صنف سمسار و بزاز اصفهان از نافرورش ماندن اجناس خود شکایت کرده‌اند. این گروه عامل این مسئله را فعالیت بقچه‌گردهایی می‌دانند که به در منازل رفته و به رفع احتیاج بانوان در این زمینه می‌پرداخته‌اند (همان، سند ۲۲۰/۱، ۱۳۷۸، ۷۲۳). با وجود این گزارش‌ها حاکی از همسویی طیف معدودی از تجار با این طرح دارد که آن نیز برگرفته از نیاز این قشر به وجود حاکمیت حکومت مرکزی بود. مواضع بازار در قبال طرح‌های اجتماعی و فرهنگی محدود به دو برنامه‌ی کشف حجاب و یک‌شکل کردن لباس نبوده است. این دو تنها نمونه‌هایی برجسته و نمادین از دیدگاه این طیف به شمار می‌رود که می‌تواند بازگوکننده‌ی گوشه‌هایی از نوع روابط حاکم بین بازار اصفهان و حکومت پهلوی اول باشد. در سیلان تغییر و تحولاتی که کشور را در برگرفته بود، وقوع جنگ جهانی دوم و ساقط شدن حکومت رضاشاه موجی از ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی ایجاد کرد که بالطبع بر فعالیت بازار و عملکرد آن تأثیری بارز داشت. این پایان مقطعی دیگر از روابط دیرین بازار و حکومت محسوب می‌شد.

##### ۵. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بازار که با مؤلفه‌های خاص خویش پدیده‌ای شهری محسوب می‌شد، متشکل از سلسله‌مراتبی از تجار و صاحبان اصناف بود که در تعامل با دو عنصر حکومت و مذهب به‌عنوان عناصر اصلی بافت شهرهای ایرانی - اسلامی بر روند رویدادهای سیاسی و اقتصادی و تحولات شهری تأثیر بسزایی داشت. در این بین رابطه‌ی بازار با حکومت که مبتنی بر منافع اقتصادی آن بود در دهه‌های آغازین تشکیل حکومت پهلوی دستخوش تغییراتی شد.

تلاش‌های رضاخان در زمینه‌ی سرکوب قیام‌ها و شورش‌ها منجر به برقراری امنیت بالنسبه گردید. به همین سبب تجار و اصناف که سالیان متمادی فعالیت‌های‌شان به دلیل عدم وجود امنیت دچار رکود و معضلات عدیده‌ای شده بود، با برقراری وضعیت جدید چرخشی مطلوب به سوی حکومت پهلوی یافتند. اما در ادامه برنامه‌ها و سیاست‌های

حکومت بسته به ماهیت، هدف و تأثیر و تأثر آن، گرایش و جبهه‌گیری‌های مختلفی را از سوی بازاریان به دنبال داشت.

قوانین اقتصادی مصوب در مجالس قانونگذاری این عصر که با هدف تأمین نیازهای مالی حکومت شکل گرفت، ناگزیر فعالیت اقتصادی تجار و اصناف را تحت‌الشعاع خود قرار داد. تعدای از این قوانین با استقبال بازاریان مواجه شد. از جمله این قوانین تأسیس اتاق تجارت بود. البته تفکر تأسیس چنین نهادی به گذشته باز می‌گشت. اما پیش از فرارسیدن حکومت پهلوی امکان تحقق و شکل‌گیری چنین نهادی در ایران فراهم نشده بود. حکومت مذکور که به دنبال نظارت بیشتر بر اقشار مختلف جامعه و کنترل فعالیت‌های آنان بود، در راستای برنامه‌های اقتصادی به تأسیس نهادی جدید با عنوان اتاق تجارت مبادرت ورزید. تأسیس اتاق تجارت می‌توانست تا اندازه‌ی قابل توجهی اهداف اقتصادی حکومت پهلوی را که به سوی حکومتی بوروکراتیک و مدرن پیش می‌رفت، محقق سازد. تأسیس این نهاد که از نیازهای تجار محسوب می‌شد با استقبال آنان مواجه شد. فعالیت این نهاد هم بر فرآیند فعالیت تجار و هم بر عملکرد دولت تأثیرات مطلوبی نهاد، چنان‌که تأسیس شعبات آن به‌طور هم‌زمان در شهرستان‌های مختلف از جمله اصفهان نوعی هماهنگی بین برنامه‌های تجاری تجار را ایجاد کرد و باعث تدوین توافقات لازمه بین تجار مبنی بر چگونگی اجرا و تنبیت قوانین تجاری مصوب حکومت شد. ناگفته نماند که نظارت شدید حکومت بر این ارگان همانند مجلس موجب شد که عموماً قدرت و رهبری اتاق همواره در دست قشر متنفذ و مشخصی بماند که روابط نزدیک‌تری با حکومت داشتند. این موضوع موجبات نارضایتی سایر تجار را فراهم می‌آورد. در کنار این مسئله موضوعات دیگری نیز اندک‌اندک برخی تجار را به سوی نارضایتی از حکومت پهلوی سوق می‌داد. از جمله قانون پرداخت گمرک و یا قانون انحصار تجارت که اجرای تبعیض‌آمیز آن موجب تکدر خاطر تجار شد.

طرح‌های اجتماعی و فرهنگی حکومت پهلوی اول نیز که با تصور تجددطلبی همراه بود نمی‌توانست عمیقاً مطلوب نظر تجار و اصناف که همواره به حفظ و تداوم سنت‌های جامعه علاقه‌مند بودند، باشد. اما با اجرای این طرح‌ها نوعی تعارض میان نگرش اقتصادی

| رویکرد بازار اصفهان به سیاست‌ها و مصوبات حکومت پهلوی اول ... | ۱۷۹

که جزء جدایی‌ناپذیر تفکر بازار بود با نگرش سنتی — اعتقادی آن به وجود آمد که نتیجه‌ی آن بروز نوعی دوگانگی در مواجهه با قوانینی چون یک‌شکل نمودن لباس و کشف حجاب از سوی بازاربان بود.

به این ترتیب اگرچه تجار و اصناف در ابتدای تأسیس حکومت پهلوی خوش‌بینانه به حکومت مذکور می‌نگریستند، اما با قوام این حکومت و اجرای زنجیروار طرح‌های مختلفی که نمی‌توانست مطلوب نظر آنان باشد، بخش عمده‌ای از بازار از نیمه‌راه مخالفت خود را با حاکمیت موجود نشان دادند و در پی آن جز معدودی از تجار، سایر آنان با دیگر اقلشار ایران در سقوط رضاشاه هم‌صدا و هم‌نوا شدند.

### منابع و مآخذ

- احمدزاده، میرحواس، (۱۳۹۰)، «رشد تحول کارکرد نقش بازرگانان ایران از گروه‌بندی به طبقه‌بندی اجتماعی»، مجموعه مقالات ریشه‌های رشد شاخه‌های شکوفایی، تهران: اندیکا.
- بهشتی سرشت، محسن و همکاران، (۱۳۹۴)، «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه»، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، س ۷، ش ۳ (پیاپی ۲۷)، صص ۳۸-۱۹.
- ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۰)، «خواست‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن»، گنجینه اسناد، شه ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان، صص ۴۹-۳۲.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، *تجار، مشروطیت، دولت مدرن*، تهران: تاریخ ایران.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲)، *از مجلس وکلای تجار تا اتاق تجارت ایران*، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- *خسونت و فرهنگ (اسناد محرمانه کشف حجاب)*، (۱۳۷۸)، به کوشش مدیریت پژوهش و انتشارات آموزش، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- سعید الشیخعلی، صباح ابراهیم، (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه‌ی هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سعیدی، علی اصغر؛ شیرین کام، فریدون، (۱۳۸۴)، *موقعیت تجار و صاحبان صنایع در دوره‌ی پهلوی*، تهران: گام نو.
- سید بنکدار، سید مسعود، (۱۳۸۶)، *بررسی تحولات سیاسی اجتماعی اصفهان در دوره رضاشاه*، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر مرتضی نورائی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- شیرین کام، فریدون؛ فرجام نیا، ایمان، (۱۳۹۰)، *پیشگامان رشد*، تهران: اندیکا.
- صفایی، ابراهیم، (۲۵۳۵)، *رضاشاه کبیر در آینه خاطرات*، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- کرونین، استفانی، (۱۳۸۷)، *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، مرتضی ناقب فر، چ ۲، تهران: جامی.
- کشاورزبان، آرنگ، (۱۳۸۳)، «در جستجوی مفهومی برای بازار»، گفتگو، ش ۴۲، اسفند، صص ۱۴۱-۱۷۳.

- مجموعه قوانین، (۱۳۷۱)، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی.
- میرزاصالح، غلامحسین، (۱۳۷۲)، رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، تهران: صهبا.
- نفیسی، مهدی، (۱۳۸۶)، از طبابت تا تجارت، تهران: تاریخ ایران.
- نور صادقی، حسین، (۱۳۱۶)، اصفهان، تهران: سعادت.
- نوری اسفندیاری، فتح‌الله، (۱۳۹۱)، رضاشاه در گذرگاه تاریخ، ۲ ج، تهران: عروج.

#### اسناد

##### اسناد منتشر نشده

الف) سازمان اسناد ملی ایران (س.ا.م.ا)

اسناد برگزاری جشن‌های تجار اصفهان در راستای اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۲

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۶

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۸

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۱۰

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۱۴

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۲۰

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۲۶

۱۳۰۷، ۲۹۳ - ۲۴۲ / ۳۲

اسناد نامه‌ی وزارت تجارت و فلاحه راجع به تأسیس اتاق تجارت اصفهان

۱۳۰۸، ۲۹۱ - ۱۶۹۸ / ۱

۱۳۰۸، ۲۹۱ - ۱۶۹۸ / ۱۰

۱۳۰۸، ۲۹۱ - ۱۶۹۸ / ۱۳

۱۳۰۸، ۲۹۱ - ۱۶۹۸ / ۲۰

۱۳۰۸، ۲۹۱ - ۱۶۹۸ / ۵۰

اسناد دستورالعمل اجرای قانون متحدالشکل کردن البسه

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰ / ۲

۱۸۲ | مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۴۵ |

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۵

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۶

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۸

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۱۷

اسناد درخواست صنف عبا یاف اصفهان به منظور ادامه ی فعالیت

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۱۰

۱۳۰۸، ۲۹۰ - ۸۵۰۸ / ۱۲

۳۱۰۱۴ / ۷، بی تا

اسناد نامه ی دیوان محاکمات به مدعی العموم راجع به عرصه ی دکاکین میدان قدیم اصفهان در

راستای اجرای قانون خالصجات دولتی

۱۳۱۲، ۲۴۰ - ۲۵۱۷۱ / ۲۹

۱۳۱۲، ۲۴۰ - ۲۵۱۷۱ / ۱۲

۱۳۱۲، ۲۴۰ - ۲۵۱۷۱ / ۵۸

۱۳۱۲، ۲۴۰ - ۲۵۱۷۱ / ۶۱

۱۳۱۲، ۲۴۰ - ۲۵۱۷۱ / ۴

ب) مرکز اسناد اصفهان

اسناد گزارش برگزاری جشن های بر تخت نشستن رضاشاه در اصفهان و توابع آن

۱۳۰۴، ۲۹۱ - ۵۱۴ / ۱

۱۳۰۴، ۲۹۱ - ۵۱۴ / ۴

۱۳۰۴، ۲۹۱ - ۵۱۴ / ۱۳

اسناد سفر رضاشاه به اصفهان

۲۶۴۸۳۶ / ۲، بی تا

۲۶۴۸۳۶ / ۶، بی تا

۲۶۴۸۳۸ / ۱۱، بی تا

روزنامه ها و مجلات

خگر، سال پنجم، شماره ۸۵۸، ۱۳۱۱

رویکرد بازار اصفهان به سیاست‌ها و مصوبات حکومت پهلوی اول ... | ۱۸۳

اخگر، سال هفتم، شماره ۹۳۳، ۱۳۱۳

اخگر، سال سیزدهم، شماره ۱۶۵۷، ۱۳۱۹

اخگر، سال پنجم، شماره ۷۹۴، ۱۳۱۱

اخگر، سال پنجم، شماره ۷۹۹، ۱۳۱۱

اخگر، سال سوم، شماره ۵۳۶، ۱۳۰۹

اخگر، سال هشتم، شماره ۱۷۱۹، ۱۳۱۵

اطلاعات، شماره ۱۳، ۲۳۷۹، دی ۱۳۱۳

اطلاعات، شماره ۳۰، ۲۳۹۶، دی ۱۳۱۳

انجمن مقدس ملی اصفهان، سال سوم، شماره ۸۸، ۱۳۲۸ق

دانش اصفهان، سال اول، شماره ۱۶ و ۱۵، ۱۳۱۰

زاینده رود، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۲۸ق

اتاق تجارت، سال دوم، شماره ۱۷، اسفند ۱۳۰۹

اتاق تجارت، سال سوم، شماره ۲۶، آبان ۱۳۱۰

## Sources Transliteration

### Sources in Persian

- Aḥmadzadeh, Mīr Ḥawās (1390 Š.), "Ravand-e Taḥvol-e Kārkard-e Naqš-e Bāzargānān-e Īrān az Gorūhbandī be Ṭabaqehbandī-e Eǰtemāī", *Majmū'e Maqālāt-e Rīšehhā-ye Rošd-e Šākehā-ye Šokūfāī*, Tehran: Andīkā. [In Persian]
- Beheāštīserēšt, Moḥsen (et. al.) (1394 Š.), "Ĵāyghāh-e Bāzārīān wa Ašnāf dar Taḥvolāt-e Sīāsī-Eqtešādī-e Īrān az Kūdetā-ye Rezā kān tā Daheh-ye Naqost-e Saltānat-e Rezā Šāh", *Pežūhešhā-ye Tārīkī*, 7, No. 3 (27), pp. 19-38. [In Persian]
- *košūnat wa Farhang (Asnād-e Maḥramāneh-ye Kašf-e Heǰāb)* (1378 Š.), edited by Modīrīāt-e Pežūheš wa Entēšārāt-e Āmūzeš, Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Mellī-e Īrān. [In Persian]
- Kešāvarzīān, Ārang (1383 Š.), "Dar Ĵosteǰū-ye Maḥfūmī barā-ye Bāzār", *Gofteǰū*, No. 42, pp. 141-173. [In Persian]
- Markaz-e Asnād-e Maǰles-e Šawrā-ye Eslāmī. [In Persian]
- *Majmū'e Qavānīn* (1371 Š.), Tehran: Šerkat-e Sahāmī-e Rūznāmhe-ye Rasmī-e Ĵomhūrī-ye Eslāmī. [In Persian]
- Mīrzā Šāleh, Ğolāmḥosayn (1372 Š.), *Rezā Šāh, kāterāt-e Solaymān Behbūdī: Šams-e Pahlavī, 'Alī Ĵadī*, Tehran: Šahbā. [In Persian]
- Nafīsī, Maḥdī (1386 Š.), *Az Tebābat tā Teǰārat*, Tehran: Tārīk-e Īrān. [In Persian]
- Nūr Šādeǰī, Ḥosayn (1316 Š.), *Ešfahān*, Tehran: Sa'ādat. [In Persian]
- Nūrī Esfandīārī, Faṭḥullāh (1391 Š.), *Rezā Šāh dar Gozargāh-e Tārīkī*, 2 Vols., Tehran: 'Orūǰ. [In Persian]
- Sa'īd al-Šaykḥ 'Alī, Šabāh Ebrāḥīm (1362 Š.), *Ašnāf dar 'Ašr-e Abbāsī*, translated by Hādī 'Alemezādeh, Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhī. [In Persian]
- Sa'īdī, 'Alī Ašǰar; Šīrīnkām, Feraydūn (1384 Š.), *Mawǰe'īat-e Toǰǰār wa Šāhebān-e Šanāye' dar Dawra-ye Pahlavī*, Tehran: Gām-e Nau. [In Persian]
- Sayyed Bonakdār, Sayyed Mas'ūd (1386 Š.), *Barrasī-e Taḥvolāt-e Sīāsī Eǰtemā'ī-e Ešfahān dar dawre-ye Rezā Šāh*, MA. Thesis, Supervisor: Morteżā Nūrāī, Dānešgādeh-ye Adabīāt wa 'Olūm-e Ensānī, Dānešgāh-e Ešfahan. [In Persian]
- Šīrīnkām, Feraydūn; Farǰāmnīā, Īmān (1390 Š.), *Pīšgāmān-e Rošd*, Tehran: Andīkā. [In Persian]
- Šafāī, Ebrāḥīm (1355 Š.), *Rezā Šāh-e Kabīr dar Āīneh-ye kāterāt*, Tehran: Edāreh-ye Koll-e Negāreš-e Wezārat-e Farhang wa Honar. [In Persian]
- Torābī Fārsānī, Soḥaylā (1380 Š.), "Dar Kāsthā-ye Toǰǰār wa Pāsokḥā-ye Dawlat-e Pahlavī be Ān", *Ganǰīneh-ye Asnād*, No. 41, 42, pp. 32-49. [In Persian]
- ----- (1384 Š.), *Toǰǰār, Mašrūṭīat, Dawlat-e Modern*, Tehran: Tārīk-e Īrān. [In Persian]
- ----- (1392 Š.), *Az Maǰles-e Wokalā-ye Toǰǰār tā Otāq-e Teǰārat-e Īrān*, Tehran: Mūzeh wa

### Sources in English

- Cronin, Stephanie (2003), *The Making of Modern Iran, State and Society under Riza Shah, 1921-1941*, Routledge.

### Documents

#### Unpublished Documents

##### A) SAKMA

Asnād-e Bargozārī-e Ĵašnā-ye Toǰǰār-e Ešfahān dar Rāstā-ye Eǰrā-ye Qānūn-e Motaḥed al-Šekl kardan-e Albāseh

- 1307, 293-242/2  
1307, 293-242/6  
1307, 293-242/8  
1307, 293-242/10  
1307, 293-242/14  
1307, 293-242/20  
1307, 293-242/26  
1307, 293-242/32  
Asnād-e Nāmeḥ-ye Wezārat-e Tejārat wa Falāḥat Rāje' be Tasīs-e Otāq-e Tejārat-e Eṣfahān.  
1308, 291-1698/1  
1308, 291-1698/10  
1308, 291-1698/13  
1308, 291-1698/20  
1308, 291-1698/50  
Asnād-e Dastūr al-'Amal-e Ejṛā-ye Qānūn-e Motaḥed al-Šekl kardan-e Albāseh  
1308, 290-8508/2  
1308, 290-8508/5  
1308, 290-8508/6  
1308, 290-8508/8  
1308, 290-8508/17  
Asnād-e DarKāst-e Šenf-e 'Ābābāfān-e Eṭfahān be Manzūr-e Edāmeḥ-ye Fa'ālīāt  
1308, 290-8508/10  
1308, 290-8508/12  
n. d., 31014/7  
Asnād-e Nāmeḥ-ye Dīvān-e Moḥākemāt be Modaī al-'Omūm Rāj'e be 'Arṣeh-ye Dakākīn-e Maydān-e Qadīm-e Eṣfahān dar Rāstā-ye Ejṛā-ye Qānūn-e kālešejāt-e Dawlatī  
1312. 240-25171/29  
1312. 240-25171/12  
1312. 240-25171/58  
1312. 240-25171/61  
1312. 240-25171/4  
B) Markaz-e Asnād-e Eṣfahān  
Asnād-e Gozāreš-e Bargozārī-e Ĵašnā-ye bar Taḳt Nešāstan-e REzā Šāh dar Eṣfahān wa Tavābe' Ān  
1304, 291-514/1  
1304, 291-514/4  
1304, 291-514/13  
Asnād-e Safar-e Rezā Šāh be Eṣfahān  
n. d., 264836/2  
n. d., 264838/11

#### Journals

- Akgar*, 5, No. 858, 1311  
*Akgar*, 7, No. 933, 1313  
*Akgar*, 13, No. 1657, 1319  
*Akgar*, 5, Np. 794, 1311  
*Akgar*, 3, No. 536, 1309  
*Akgar*, 8, No. 1719, 1315

*Anjoman-e Moqaddas-e Mellī-e Eṣfahān*, 3, No. 88, 1328 AH

*Dāneš-e Eṣfahān*, 1, No. 16, 15, 1310

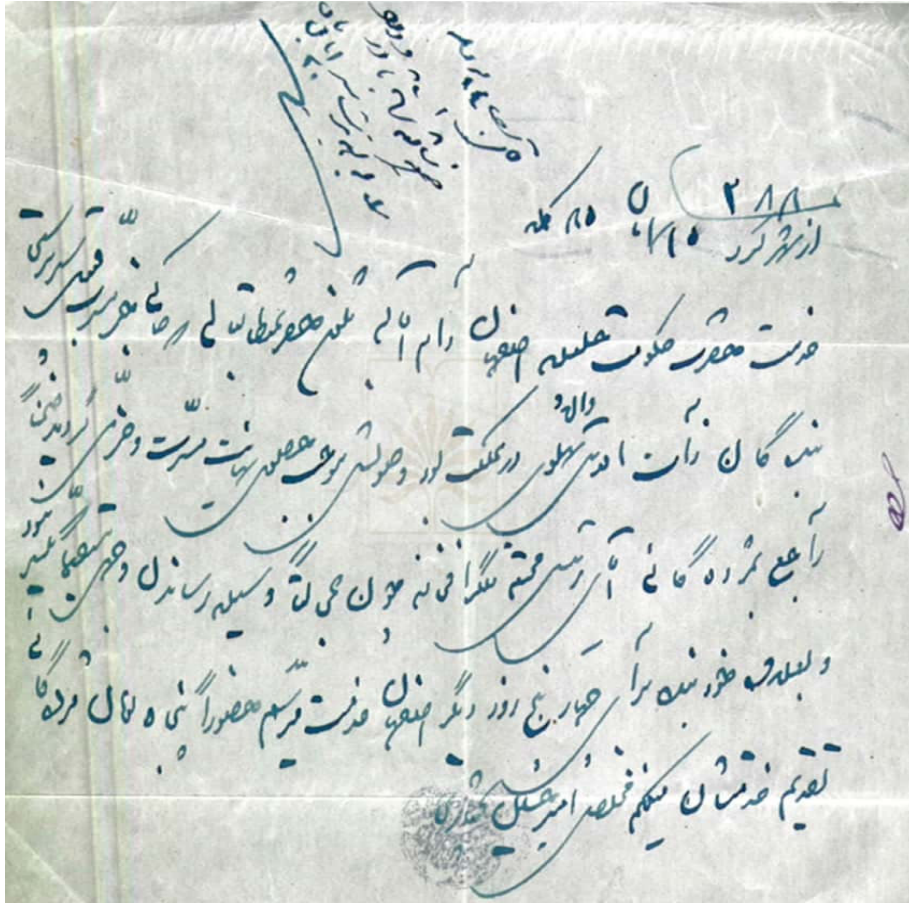
*Eṭelā'āt*, No. 13, 2379 Day 1313

*Eṭelā'āt*, No. 30, 2396 Day 1313

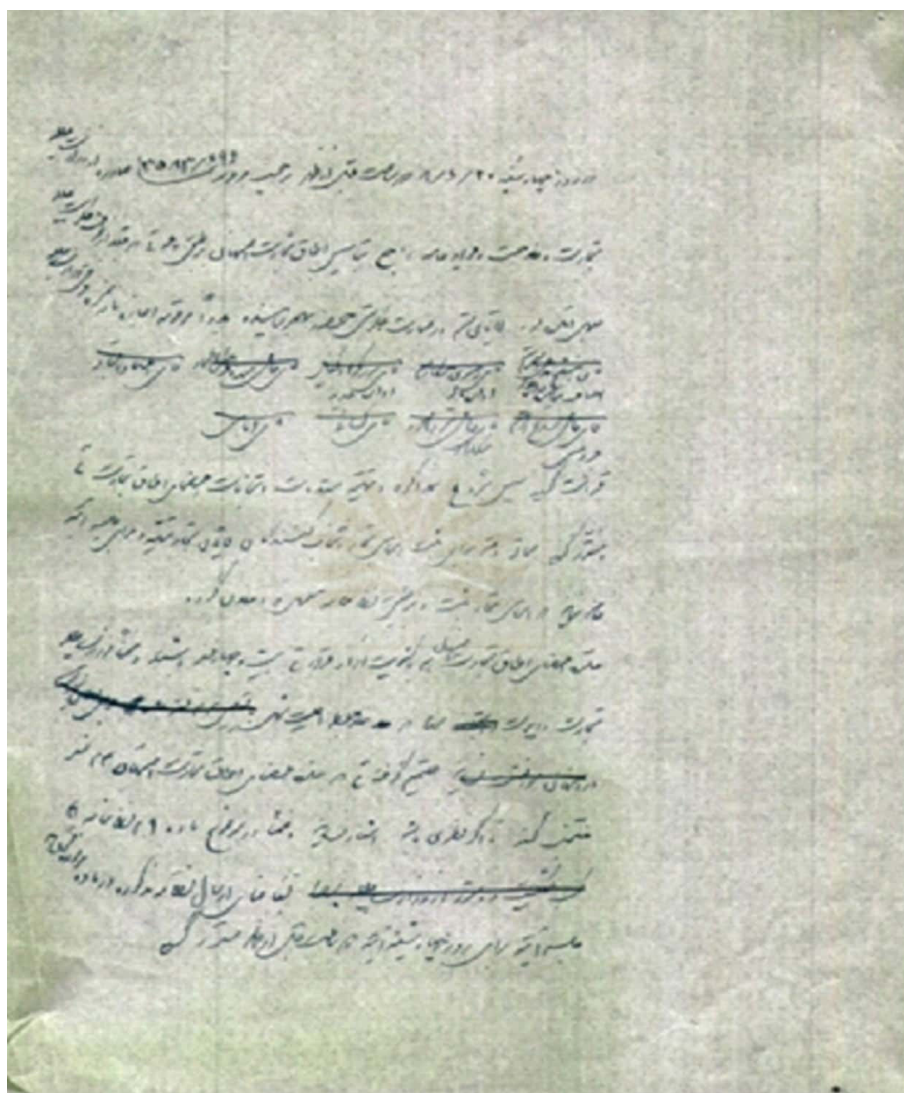
*Oṭāq-e Tejārat*, 2, No. 17, Esfand 1309

*Oṭāq-e Tejārat*, 3, No. 26, Ābān

*Zāyandehrūd*, 2, No. 7, 1328 AH



ارسال تلگراف تبریک آمیز جلوس رضاشاه به حکمران اصفهان (۲۱/۵۱۴-۲۹۱ - بی تا)



نامه‌ی وزارت تجارت و فلاحت راجع به تأسیس اتاق تجارت اصفهان (۱۸/۱۶۹۸-۲۹۱-)

(۱۳۰۸ ش)

